

از سمرقند تا سارد

نگرشی تازه به امپراتوری سلوکی



سوزان شروین وایت ، آملی کورت

ترجمه حمیدرضا پیغمبری ، مریم شفیعیان

از سمرقند تا سارد
نگرشی تازه به امپراتوری سلوکی

سرشناسه:	شروین- وایت، سوزان. Sherwin-White, Susan
عنوان و پدیدآور:	از سمرقند تا سارد: نگرشی تازه به امپراتوری سلوکی / سوزان شروین- وایت، آملی کورت؛ ترجمه حمیدرضا پیغمبری ، مریم شفیعیان. تهران: توس، ۱۴۰۰.
مشخصات نشر:	۴۰۰ ص.: مصور.
مشخصات ظاهری:	نسک‌های ایران‌شناسی؛ ۲/ زیر نظر شروین فریدنژاد.
فروست:	978-964-315-747-0
شابک:	فیبا
وضعیت فهرست‌نویسی:	From Samarkhand to Sardis: a new approach to the Seleucid empire, 1993
یادداشت:	کتابنامه: ص. ۳۵۶-۳۳۳.
یادداشت:	نمایه.
یادداشت:	نگرشی تازه به امپراتوری سلوکی.
عنوان دیگر:	سلوکیان
موضوع:	Seleucids
موضوع:	ایران - تاریخ - سلوکیان، ۶۳-۳۱۲ ق.م.
موضوع:	Iran - History - Seleucids, 312-63 B.C.
موضوع:	کورت - آملی، ۱۹۴۴ - م.
شناسه افزوده:	Kuhrt, Amelie
شناسه افزوده:	پیغمبری، حمیدرضا، ۱۳۵۹ - ، مترجم
شناسه افزوده:	شفیعیان، مریم، ۱۳۶۲ - ، مترجم
شناسه افزوده:	DS ۹۶
رده‌بندی کنگره:	۹۳۹/۴۳
رده‌بندی دیویی:	۷۵۱۵۵۸۱
شماره کتابشناسی ملی:	



از سمرقند تا سارد

نگرشی تازه به امپراتوری سلوکی

سوزان شروین - وایت و آملی کورت

ترجمه

حمیدرضا پیغمبری و مریم شفیعیان



نَسک‌های ایران شناسی

(۲)

زیر نظر

شروین فریدنژاد

This book is a Persian translation of:

Susan Sherwin-White & Amélie Kuhrt, 1993, *From Samarkhand to Sardis: A new approach to the Seleucid empire*. London: Gerald Duckworth.



انتشارات توس

از سمرقند تا سارد

نگرشی تازه به امپراتوری سلوکی

سوزان شروین-وایت و آملی کورت

ترجمه حمیدرضا پیغمبری

و مریم شفیعیان

چاپ اول، تابستان ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ: طیف نگار

قیمت: ۱۴۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۱۵-۷۴۷-۰ ISBN: 978-964-315-747-0

کلیه حقوق چاپ و انتشار این اثر - به هر صورت - محفوظ و مخصوص انتشارات توس است.

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، بن بست پورجوادی، شماره ۵ - تلفن: ۶۶۴۹۱۴۴۵

مرکز فروش: خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، پلاک ۱۷۸ - تلفن: ۶۶۴۶۱۰۰۷

نشانی اینترنتی: www.ToosBook.ir پست الکترونیک: info@ToosBook.ir

فهرست مطالب

یادداشت دبیر مجموعه.....	۱۳
مقدمه مترجمان.....	۱۵
پیش‌گفتار نویسندگان.....	۲۳
مقدمه نویسندگان.....	۲۵
فصل یکم- شکل‌گیری امپراتوری سلوکی.....	۳۱
از ساتراپ تا پادشاه.....	۳۲
وسعت امپراتوری در حدود سال ۳۰۰.....	۴۰
تثبیت و مستعمره‌سازی.....	۴۸
واپسین سال‌های سلوکوس: تصاحب آسیای صغیر.....	۵۰
ایجاد یک هویت سلسله‌ای.....	۵۱
آنتیوخوس یکم: حفظ مرده‌ریگ سلوکوس.....	۶۰
نتیجه فصل.....	۷۲
فصل دوم- امپراتوری سلوکی در سده سوم.....	۷۵
تعریف دولت سلوکی.....	۷۵
مدیریت و دیوان‌سالاری.....	۸۶
روابط میان مرکز و اجزاء امپراتوری.....	۸۹
ماشین جنگی سلوکی.....	۹۱
دولت- معیدها.....	۱۰۰
راه‌های ارتباطی.....	۱۰۳
ضرب سکه.....	۱۰۴
بازرگانی.....	۱۰۷

۱۰۹.....	پادشاه و اقتصاد
۱۱۷.....	فصل سوم-امپراتوری سلوکی در ایران و آسیای مرکزی
۱۱۹.....	غرب ایران: ماد و پارس
۱۲۶.....	هرات
۱۲۷.....	زرنک
۱۲۸.....	گرگان
۱۳۰.....	مرو
۱۳۲.....	پارت
۱۴۱.....	فصل چهارم-سرحداث شرقی و فراسوی آن
۱۴۲.....	هند در اواخر سده های چهارم و سوم و یونانیان
۱۴۹.....	دولت موريا
۱۵۳.....	آشوکا، یونانیان و ایرانیان
۱۵۵.....	بلخ
۱۵۹.....	فرارود و آن سوی آن
۱۶۱.....	شورش بلخ
۱۶۶.....	ساختارهای اجتماعی و اقتصادی
۱۶۹.....	فصل پنجم-شاهان و پادشاهی
۱۶۹.....	نهاد پادشاهی سلوکی
۱۸۳.....	مشروعیت و شاخص دودمانی
۱۸۸.....	ایدئولوژی پادشاهی
۱۹۲.....	قدرت و حمایت
۱۹۷.....	وفاداری و استحکام
	فصل ششم- استعمار و امپریالیسم: وجوه مسأله «یونانی سازی» و برهم کنش
۲۰۳.....	تمدن های یونانی و غیر یونانی در امپراتوری سلوکی
۲۰۴.....	درآمدی بر مسأله
۲۱۳.....	مورد میان رودان
۲۲۸.....	سیاست های حکومتی و فعالیت استعماری

۲۴۱.....	کلنی‌های سلوکی: داده‌های متنی و بقایای باستان‌شناختی
۲۵۲.....	سارد و دگرگونی آن
۲۵۷.....	یونانی‌سازی: واقعی یا ظاهری؟
۲۶۳.....	فصل هفتم- آنتیوخوس سوم: امپریالیست و جنگاور.
۲۶۶.....	ارمنستان در سدهٔ سوم.....
۲۷۴.....	لشکرکشی‌های آنتیوخوس سوم
۲۸۱.....	آیین‌های پرستش شاهی
۲۹۲.....	نبرد سلوکیان و روم
۲۹۷.....	نتیجهٔ فصل
۳۰۱.....	فصل هشتم- فروپاشی امپراتوری سلوکی
۳۰۲.....	مداخلهٔ روم
۳۰۸.....	قدرت‌یابی اشکانیان
۳۱۱.....	شکل‌گیری واحدهای سیاسی تازه درون امپراتوری
۳۱۵.....	«زوال»
۳۱۷.....	سال‌شمار پادشاهان سلوکی و اشکانی
۳۱۸.....	دودمان سلوکی در سدهٔ سوم
۳۱۹.....	یادداشت‌ها
۳۲۷.....	کوتاه‌نوشت‌ها
۳۳۳.....	کتاب‌شناسی
۳۵۷.....	تصاویر
۳۷۱.....	نمایه

نقشه‌ها و طرح‌ها

۱. امپراتوری سلوکی در سده سوم ۲۴
۲. منابع انسانی سپاه سلوکی ۹۴
۳. انطاکیه مرو ۱۳۱
۴. پارت ۱۳۴
۵. قلمرو موریا در هند ۱۴۴
۶. بلخ-سغد ۱۵۷
۷. خوارزم ۱۶۵
۸. پلان کاخ آی خانوم ۱۹۵
۹. بابل ۲۲۲
۱۰. استقرارگاه هلنیستی در فیلکه ۲۴۴
۱۱. آی خانوم ۲۴۹

فهرست تصاویر

(از صفحه ۳۵۷ تا ۳۷۰)

۱. گوهری از اوایل دوره یونانی مآبی با طرح تریماکرسیا
۲. ظرف نقره‌ای طلاکاری شده با نقش جنگاوران سوار بر فیل
۳. یک بولا از اوروک: تصویر سلوکوس سوم
۴. گوهری با نقش اسکندر کبیر
۵. یک بولا از اوروک با چند اثر مهر
۶. استراکن یونانی مکشوفه از بابل
۷. کتیبه پیشکشی به آنتیوخوس چهارم اپیفانس
۸. کتیبه وقفی بزرگداشت دموکریتوس، استراتگوس و اپیستاتس
۹. لوحی گلین از شوش که رویدادی را به یونانی ثبت کرده است
۱۰. لوح گلین: متن «یونانی-بابلی»
- ۱۱ الف. کتیبه وقف زئوس سوتر، پوسیدون و آرتیمیس سوتیرا، مکشوفه از فیلکه
- ۱۱ ب. کتیبه وقفی محراب «تقدیم به خدایان»، مکشوفه از فیلکه
۱۲. قطعاتی از سنگ نگاره‌ای که ساتیرها را نشان می‌دهد، مکشوفه از کرمانشاه
۱۳. یک سند اداری سلوکی، مکشوفه از فیلکه
۱۴. نیایشگاه هلنیستی در فیلکه
۱۵. کاوش در نیایشگاه فیلکه
۱۶. محرابی با تندیسک اروس، مکشوفه از تخت سنگین
۱۷. تصویریک «شاهزاده» از دوره یونانی مآبی، مکشوفه از تخت سنگین
۱۸. فردی با کلاه ساتراپ، مکشوفه از تخت سنگین
۱۹. قطعه‌ای از یک نقش کوچک عاجی نیام (ماخایرا)، مکشوفه از تخت سنگین
۲۰. آرامگاهی در گورستان هلنیستی ماریسا
- ۲۱ و ۲۲. بخش‌هایی حاشیه بالای طاقچه‌های آرامگاه در ماریسا
- ۲۳ تا ۲۶. سنگ‌نشته‌های آرماویر، ارمنستان
۲۷. سنگ نگاره هراکلس با کتیبه وقفی یونانی، از بیستون
۲۸. کتیبه وقفی کلثومنس، از بیستون
۲۹. تترادر اخمای آنتیوخوس یکم، از سلوکیه دجله

مجموعه‌ی نَسک‌های ایران‌شناسی

هدف از انتشار مجموعه‌ی «نَسک‌های ایران‌شناسی»، چاپ برگزیده‌ی متن اصلی یا برگردان فارسی آثار پژوهشگران و ایران‌شناسان در حوزه‌های گوناگون تاریخ، دین، اسطوره، باستان‌شناسی، هنر و زبان‌شناسی است تا نه تنها نوترین پژوهش‌های انجام‌شده به ویژه در دسترس خواننده‌ی فارسی‌زبان قراربگیرد، بلکه ترجمه‌های آن گروهی از «کلاسیک»های مطالعات ایران‌شناسی نیز که به هردلیلی برای مخاطبان فارسی‌زبان آن مهجور مانده بودند نیز در قامتی نو و ترجمه‌هایی دقیق، ارائه شوند. امید داریم که با انتشار این مجموعه، هم برای پژوهشگران و دانشجویان و هم برای خوانندگان علاقه‌مند غیرمتخصص، مجموعه‌ای خواندنی و آموزنده پدید آید.

نشان (لوگو)* مجموعه‌ی «نَسک‌های ایران‌شناسی»، طرحی برگرفته از یک گچبری برجسته در کاخ کیش (تل‌الاحیم‌در جنوب بغداد) است. نقش انار، تقریباً همیشه همراه با دو نقش برگِ نخلی در طرفین آن، یکی از نقش‌های ویژه و پربسامد در گچبری‌های برجسته‌ی به جا مانده از عصر ساسانی است که در بیشتر محوطه‌های باستان‌شناسی و بناهای مختلف (برای مثال در تیسفون، نظام‌آباد، تل‌دَهَب، اُم‌السَّعَاتِر و...)، به صورت‌های گوناگونی پیدا شده است. این نقش در دوره‌ی اسلامی، به ویژه در تزئینات معماری عصر اموی همچنان استفاده شد.

* «نشان مجموعه برگرفته از: تذهیبی مسعود و فریده شهبازی، ۱۳۸۰، نقش‌مایه‌های/ایرانی، انتشارات سروش، ص. ۲۶، ش. ۷۳»

یادداشت دبیر مجموعه

کتاب عالمانه و خواندنی «از سمرقند تا سارد: نگرشی تازه به امپراتوری سلوکی» به قلم سوزان شروین-وایت و آمیلی کورت پس از گذشت قریب به سه دهه از نشر آن همچنان یکی از متون جامع و مهم تاریخ سیاسی سلوکیان در آسیای غربی و به ویژه گستره‌ی بزرگی از سرزمین‌های ایرانی به شمار می‌رود. با وجود انتشار پژوهش‌های مهم و ارزشمند دیگر درین فاصله که به اهم آنان در مقدمه‌ی مترجمان اثر پیش‌رو اشاره شده، این تحقیق درخشان جنبه‌های مختلفی از شکل‌گیری امپراتوری سلوکی در سده‌ی سوم پیش از میلاد تا فروپاشی آن در سال ۶۳ پیش از میلاد و به قدرت رسیدن اشکانیان را در روایتی موشکافانه و با استفاده از تمام منابع موجود اعم از کتیبه‌ها و متون تاریخی و ادبی و همچنین یافته‌های باستان‌شناسی بررسی می‌کند و با نگاهی نوبه مساله‌ی فراز و فرود فرهنگ «یونانی‌مآبی» (هَلینیسم) در شرق و برهم‌کنش تمدن‌های ایرانی و یونانی در امپراتوری سلوکی می‌پردازد. ویژگی مهم این اثر در بین محدود همتایانش در تاریخ یونانی‌مآبی در شرق در این نکته‌ی مهم نهفته است که نویسندگان آن به تاریخ دوره‌ای سلوکی به عنوان دوره‌ای مرتبط با پیش و پس آن و نه میان‌پرده‌ای یونانی-مقدونی و تلویحا «وصله‌ای ناهمگون» در تاریخ شرق باستان و مشخصا ایران باستان می‌نگرند و عینک مرسوم ستایش یک‌سویه‌ی یونان و یونانی‌مآبی را بر چشم ندارند. نگاه دقیق آنها، جایگاه واقعی امپراتوری سلوکی را نه به عنوان دوره‌ای «غریبه و وارداتی» از جهان یونانی، بلکه به مثابه‌ی سه سده تداوم آگاهانه‌ی سنت‌های پادشاهی و میراث‌دار خلف نظام پیچیده‌ی دیوان‌سالاری و سنت نوشتاری شرق نزدیک باستان و به ویژه امپراتوری هخامنشی روشن می‌سازد و همچنان به جنبه‌های مختلف تاثیر‌پررنگ سنت‌های ایرانی و بومی بر یونانی تاکید دارد. نویسندگان جا به جا بخش‌های مهمی از اسناد نوشتاری و کتیبه‌های عصر سلوکی، به ویژه کتیبه‌های میخی دوران یونانی‌مآبی را در گستره‌ی قابل‌توجهی از زبان‌ها و جغرافیا پیش چشم خواننده برجسته می‌کنند. متفاوت از بسیاری از تاریخ سلوکی که

عمدتاً تنها متکی به استفاده از منابع یونانی و لاتینی هستند، به مجموعه‌ی بزرگی از منابع بابلی، آرامی، مصری، یهودی و هندی درین پژوهش استناد شده که برگردان فارسی آن‌ها در ترجمه‌ی حاضر را اولین ترجمه‌ی (هرچند غیرمستقیم) این متون و کتیبه‌ها به فارسی می‌توان دانست. اهمیت دسترسی به این دست منابع دست‌اول به‌ویژه در تدریس تاریخ سلوکی و بررسی تداوم تاریخی متون نوشتاری در انتقال از دوره‌ی هخامنشی به اعصار پارسی و ساسانی البته بر پژوهشگران و دانشجویان پوشیده نیست.

پژوهش در تاریخ، دین، هنر و فرهنگ سلوکیان در سایه‌ی اقبال عمومی هخامنشیان و ساسانیان، حتی بسیار بیشتر از جانشینان پارسی‌شان در مطالعه‌ی تاریخ ایران باستان به غفلت و فراموشی سپرده شده و ازین رو عمده‌ی همان پژوهش‌های جدی و اندک غربی نیز در نزد دانشجویان و پژوهشگران در ایران مهجور و گاه ناشناخته مانده‌اند. ازین رو، اثر پیش رو که اکنون با برگردان دقیق و با مقدمه و یادداشت‌های تکمیلی و روزآمد حمیدرضا پیغمبری و مریم شفیعیان در دسترس خوانندگان فارسی‌زبان قرار می‌گیرد، نه تنها کتابی مهم برای پژوهشگران که بی‌تردید متنی مناسب برای تدریس تاریخ سلوکیان نیز است. امید که چاپ برگردان فارسی این کتاب، گامی مفید برای دسترس‌پذیر ساختن یکی از منابع مهم این مقطع از تاریخ ایران و جهان باستان برای پژوهشگران و دانشجویان و علاقمندان تاریخ باشد.

شروین فریدنژاد

بهار ۲۰۲۱ میلادی / ۱۴۰۰ خورشیدی

برلین

مقدمه مترجمان

اثر حاضر از معدود آثار مستقل درباره تاریخ امپراتوری سلوکی است که به زبان فارسی منتشر می‌شود. سلوکیان (۶۳-۳۱۲ ق.م.) گروهی از جانشینان اسکندر بودند که امپراتوری گسترده‌ای در جنوب غربی آسیا تشکیل دادند و بخش بزرگی از قلمرو آنها را ایالت‌های ایرانی تشکیل می‌داد. این امپراتوری در زمان نخستین پادشاهان آن یعنی سلوکوس یکم و آنتیوخوس یکم بهره‌مندی‌های نظامی بزرگی داشت. اما اندکی پس از مرگ آنتیوخوس یکم روند استقلال بلخ و پارت در شرق آغاز گردید و این علاوه بر ایالاتی چون پارس و ارمنستان است که آغاز استقلال آنها از سلوکیان تاکنون به خوبی مشخص نشده است. ماد نیز به دو بخش کوچک و بزرگ تقسیم شده بود؛ ماد کوچک (آذربایجان) را خاندانی ایرانی اداره می‌کردند و در مرکز ماد بزرگ یعنی شهر همدان هم با وجود آن که از نظر اداری، مرکز «ساتراپی‌های علیا» به شمار می‌رفت، شورش‌هایی ضد دولت مرکزی رخ می‌داد. افزون بر این، سلوکیان در غرب هم دو دشمن نیرومند داشتند: یکی دولت بطلمیوسی‌ان مصر که در واقع همتای آنها در این گوشه از قلمرو سابق اسکندر بود و جنگ‌های مداوم این دو که به جنگ‌های سوری معروف است، با موفقیتی نهایی برای هیچ‌یک همراه نشد. دیگری دولت روم که سرانجام به عمر دودمان سلوکی خاتمه داد. اما نکته مهم اینجاست که دودمان سلوکی با وجود این مشکلات، تا زمان سقوطشان در انطاکیه (۶۳ ق.م.)، ۲۵۰ سال دوام آوردند. بنابراین، می‌توان با نویسندگان این کتاب هم‌نظر بود که امپراتوری سلوکی آنچنان که سابقاً تصور می‌شد، ضعیف و ناپایدار نبوده است. سلوکیان وارث قلمرویی بودند که به وسیله هخامنشیان به خوبی سازماندهی شده بود و خود آنها نیز از طریق رسمی مبتنی بر حمایت اقتصادی و دینی از شهرها، روابطشان را با رعایا تقویت می‌کردند. اما اتکای آنها بیش از همه بر پایه نیروی نظامی ورزیده و پر شمار بود و افزون بر این، شهرهای خودمختار یونانی‌مآب که با عنوان کلنی (مستعمره‌نشین یا مهاجرنشین) از آنها یاد می‌شود، نیز پایگاه‌های مهمی برای این حاکمان به شمار می‌آمدند.

پولیس‌های نویناد سلوکی که دارای جمعیتی از مهاجران یونانی-مقدونی بودند، پس از اخراج

سلوکیان از ایران، به تدریج جذب فرهنگ محلی شده و از میان رفتند و شاید ردپای آنها را بر رشد شهرنشینی، بازرگانی، گسترش کاربرد سکه و برخی مشخصه‌های هنر اشکانی و ساسانی بتوان دید. اگرچه محققان دربارهٔ مظاهر مختلف فرهنگ یونانی و به‌طور دقیق‌تر یونانی‌مآبی (هلنیستی) در سرزمین‌های تحت سلطهٔ مقدونیان اختلاف نظر دارند، اما دربارهٔ اهمیت حکومت سلوکیان در ایران و جنبه‌های ماندگار میراث سلوکیان می‌توان به موارد مهمی اشاره کرد. نخست تأثیر پادشاهی سلوکی بر ارتقاء مقام و منزلت پادشاهی در ایران است که محققان دربارهٔ آن به‌قدر کفایت سخن گفته‌اند. ظاهراً رواج پرستش پادشاهان سلوکی به‌ویژه در نتیجهٔ اقدامات آمرانهٔ آنتیوخوس سوم، عملی در راستای قوام دادن و وحدت بخشیدن به اقوام محلی گوناگون در زیر لوای این حاکمان بیگانه بوده و مصدر اولیهٔ این ایده نه سنت شرقی، بلکه باورهای خود مقدونیان در انتساب پادشاهانشان به خدایان بوده است. دیگری بحث مربوط به دین است که به واسطهٔ نوعی همسان‌پنداری خدایان ایرانی و یونانی، دست‌کم شمایل‌نگاری مذهبی جدیدی را در جهان ایرانی رواج داد که نشانه‌های آن حتی تا پایان دورهٔ ساسانی به‌چشم می‌خورد. همچنین وجود مغان هلنیستی نیز مسأله‌ای کاملاً قابل اعتنا و مهم است. با این تفصیل، می‌توان گفت که دورهٔ سلوکی نه بی‌اهمیت و گذرا، بلکه مهم و تأثیرگذار بوده است.

اما برکسانی که از تاریخ و تمدن ایران زمین آگاهی دارند، روشن است که همانطور که خاطرهٔ مادها و هخامنشیان در روایت‌های ملی مبهم و کم‌فروغ است، دورهٔ حاکمیت مقدونیان در ایران نیز بیش‌تر با تکیه بر پژوهش‌های نوین غربی بر ما روشن شده است. منابع تاریخی شرقی مطالب کمی دربارهٔ اسکندر در اختیار نمی‌گذارند، گو اینکه از او شخصیتی غیرتاریخی ارائه می‌دهند. اما همین منابع، برخلاف سنت یهود، خبرچندانی از جانشینان اسکندر ندارند و این دوره را با ادغام در تاریخ اشکانیان به شکل دوره‌ای آشفته ذیل عنوان گدگ خوداییه یا ملوک الطوائفی معرفی می‌کنند. این کم‌اطلاعی که شاید تا حد زیادی عمدی بوده است، به گذشته منحصر نمی‌شود و دورهٔ مورد بحث امروزه نیز چندان مورد توجه نیست. در متن کتاب حاضر اشاره‌ای گذرا به این نکته شده است که رواج اصطلاح «فراهمانشی» برای ثبت یافته‌های باستان‌شناختی مربوط به این دوره در ایران، میراث رویکرد رژیم سابق به تاریخ بوده است. رسم اهل تاریخ نیز بر این است که مجال کمی به این سلسله می‌دهند و بیش‌تر آن را در ذیل حوادث تاریخ اشکانی می‌آورند. شاید به این سبب که این سلسله «بیگانه» شناخته می‌شود و یا در سیر تاریخ ایران بی‌اهمیت جلوه می‌کند و یا حتی همچون ورود اسکندر ناخوشایند و محل انکار است. باید توجه داشت که در تاریخ ایران سلسله‌های گوناگون با خاستگاه‌های مختلف حکمرانی کرده‌اند و این نوع رویکرد

گزینشی به تاریخ، دست‌کم به معنای نادیده گرفتن برخی تجربیات تاریخی و اثرات آن است. البته نگاهی به تبارشناسی دودمان سلوکی نشان می‌دهد که آنها از ابتدا پیوندهای خویشاوندی با ایرانیان داشته‌اند. از نظر ساختاری نیز این حکومت تاحد زیادی میراث‌خوار هخامنشیان بوده و چنانکه گفته شد اثرات ماندگاری بر تاریخ و تمدن ایرانی گذاشته است. بنابراین، تاریخ ایران در این دوره آن اندازه اهمیت دارد که مورد توجه و دقت بیش‌تر قرار بگیرد.

سابقه مطالعه و پژوهش درباره تاریخ دوره یونانی‌مآبی یعنی اسکندر و جانشینانش در مراکز آکادمیک غرب به قرن نوزده بازمی‌گردد. یکی از نخستین آثاری که در این زمینه نوشته شده (و به فارسی نیز ترجمه شده است)، تاریخ ایران و ممالک همجوار از دوره اسکندر تا اشکانیان اثر محققانه آلفرد فن گوتشمید است.^۱ پس از آن، کتاب مفصلی که بوان با عنوان دودمان سلوکی در ۱۹۰۲ منتشر کرد.^۲ در ۱۴-۱۹۱۳ بوشه لولکرک نیز در دو جلد، تاریخ و تمدن دوره سلوکی را بررسی نمود.^۳ از جمله محققان نامدار و پیشکسوت این حوزه ویلیام تارن است که دو کتاب او یکی تمدن هلنیستی (۱۹۲۷) که چند دهه بعد با ویرایش کامل‌تری بازنشر شد و دیگری کتاب بسیار مشهور یونانی‌ها در بلخ و هند (۱۹۳۸)^۴ دارای شهرت هستند. دیگر اثر قدیمی مهم و قابل ذکر، کتاب مشهور بیکرمن درباره ساختار دولت سلوکی است.^۵ وی در فصل‌های جداگانه، پادشاهی، دربار، دوستان و ملازمان پادشاه، سپاه سلوکی، اقتصاد، ساختار، سکه‌ها و آداب پادشاهی را بررسی می‌کند. بیکرمن در سال ۱۹۸۳ مطالب کتاب خود را به‌طور خلاصه‌تر در کتاب تاریخ ایران کمبریج منتشر کرد. جلد نخست کتاب بزرگ روستوفتسف که به تمام جهان هلنیستی می‌نگرد هم مطالب مفیدی درخصوص این دوره در شرق دارد.^۶ گوشه‌ای از تحولات دینی و اندیشه سیاسی این دوره در کتاب ادی با عنوان کلیشه‌ای «شاه مرده است» بررسی شده است.^۷ این کتاب با عنوان آیین شهریاری در شرق به فارسی ترجمه گردیده است. مسأله دین به‌طوری کلی‌تر در دو اثر

1. A. von Gutschmid, 1888. Geschichte Irans und seiner Nachbarländer von Alexander dem Grossen bis zum Untergang der Arsaciden, Tübingen.

2. E. R. Bevan, 1902. *The House of Seleucus*, 2 vols. London.

3. A. Bouché-Leclercq, 1913-1914. *Histoire des Séleucides (232-64 avant J.-C.)* 2 vols; Paris.

4. W. W. Tarn 1938. *The Greeks in Bactria and India* (2nd ed. 1951), Cambridge.

5. E. Bickerman 1953. *Institutions des Séleucides*, ed. by Griffith, Paris.

6. M. Rostovtzeff 1941. *The Social and Economic History of the Hellenistic World*. In 3 vols. (2nd ed. 1951) Oxford.

7. S. K. Eddy 1961. *The King is Dead. Studies in the Near Eastern Resistance to Hellenism 334-31 BC*, Lincoln, Nebraska.

بسیار مهم بیلد،^۱ و جلد سوم تاریخ کیش زردشت اثر بویس و فرانتس گرنه^۲ بررسی شده است. سپاه سلوکی هم با تکیه بر لشکرکشی‌های بزرگ موضوع تحقیق مشهور از بار-کوجوا بوده است.^۳ مؤلفان کتاب حاضر، سوزان شروین-وایت فقید و آملی کورت، هم در سال ۱۹۸۷ کتابی با عنوان *یونانی مآبی در شرق* منتشر کردند که مشتمل بر مجموعه مقالاتی از محققان مختلف در این زمینه است.^۴ این دو محقق سپس در سال ۱۹۹۳ کتاب *از سمرقند تا سارد* را منتشر کردند که ترجمه آن اینک در اختیار خوانندگان فارسی زبان قرار می‌گیرد.

این کتاب، اثری جامع و مشهور درباره تاریخ سلوکیان است. نویسندگان کتاب درواقع به تاسی از طرح موفق کارگاه تاریخ هخامنشی دانشگاه خرونینگن با یکدیگر همکاری نموده‌اند. آنها در این اثر به‌طور کلی در دیدگاه‌های پیشین درباره امپراتوری سلوکی تجدیدنظر کرده‌اند. این دیدگاه تازه، امپراتوری سلوکی را حتی پس از شکست آنتیوخوس سوم از رومیان، دارای ساختاری منسجم و حاکمیتی مقتدر و توانمند معرفی می‌کند. این دیدگاه، شکست‌های گاه و بیگاه سلوکیان از غلاطیان، دولت پرگام و بطلمیوسی‌ان را کم اهمیت تلقی کرده و نقش دودمان‌های محلی چون پادشاهان پارس، بلخ و ارمنستان را ناچیز ارزیابی می‌کند. نویسندگان اثر نسبت به اشکانیان هم نگرش مثبتی ندارند. برای نمونه در ص ۱۲۷ می‌نویسند پارتیان قنات‌های جاده خراسان را در «تاخت و تازهایشان» تخریب کردند؛ در صورتی که اشکانیان در اینجا در هنگام عقب نشینی مقابل آنتیوخوس سوم، سیاست زمین سوخته را در پیش گرفته‌اند. در جای دیگر که درباره اوضاع آذربایجان سخن می‌گویند، برهه کوتاه حملات تیگران ارمنی و لشکرکشی ناموفق مارکوس آتونئوس سردار رومی به آذربایجان را با حکومت پانصدساله اشکانیان در آنجا در یک ردیف می‌آورند و چون به ساسانیان می‌رسد، سیر تاریخی را رها می‌کنند (ص ۱۲۴). با این حال، در این کتاب به شکلی قابل تحسین تلاش شده است دیدگاه سابق که مبتنی بر بزرگ‌نمایی تمدن یونانی و تأثیرات تمدنی دوره یونانی مآبی بر شرق بود، رد و یا تعدیل شود و بر استمرار میراث شرق باستان، به‌ویژه هخامنشیان، در ساختار سیاسی و اداری دولت سلوکی نیز تأکید شده است. یکی از

1. P. Bilde et al. eds. 1990. *Religion and Religious Practice in the Seleucid Kingdom*. Aarhus.

2. M. Boyce and F. Grenet 1991. *A History of Zoroastrianism*, vol 3, *Zoroastrianism under Macedonian and Roman Rule*. Leiden: Brill.

3. B. Bar-Kochva 1976. *The Seleucid Army: organisation and tactics in the great campaigns*, Cambridge.

4. Amélie Kuhrt and Susan Sherwin-White (ed.) 1987. *Hellenism in the East*. Berkeley and Los Angeles.

مزایای این کتاب این است که به جای تمرکز کردن بر سرحدات غربی و جنگ‌های سلوکیان و بطلمیوسی‌ان، به شرق به‌ویژه بابل و ارمنستان و حتی هند توجه دارد که اهمیت آگاهی از تاریخ و تمدن‌های باستانی این سرزمین‌ها برای درک بسیاری از مسائل فرهنگی و سیاسی ایران باستان بر کسی پوشیده نیست. مطالب کتاب به‌طور کلی بر تحلیل مسایلی چون ساختار اداری، ایدئولوژی پادشاهی و یونانی‌مآبی متمرکز است و به روایت رویدادهای سیاسی و جنگ‌ها غنی‌پردازد. اطلاعات تاریخی این کتاب از خلال طیف وسیعی از منابع کتبی‌ه‌ای و باستان‌شناختی گردآوری شده و نویسندگان برخلاف تاریخ‌پژوهان پیشین فقط بر متون کلاسیک یونانی تکیه نکرده‌اند. اما باتوجه به گزینشی و تحلیلی بودن مطالب، چارچوبی روشن از تاریخ سیاسی به‌دست نمی‌دهد. همچنین تأکید کتاب بر رنگ و لعاب شرقی امپراتوری سلوکی، انتقاداتی را برمی‌انگیزد. بنابراین پژوهشگران درخصوص برخی جزئیات و یا رویکردهای تازه‌تری می‌توانند به مقالات و کتاب‌های دیگر رجوع کنند.

برخی از مهم‌ترین آثاری که از زمان انتشار متن اصلی این کتاب تا کنون به چاپ رسیده‌اند، با توجه به ترتیب تاریخ نشر عبارتند از: کتاب مختصر و مفیدی که یوزف ولسکی، ایران‌شناس نامدار، در سال ۱۹۹۹ دربارهٔ سلوکیان نوشت.^۱ او که صاحب پژوهش‌های ارزشمندی دربارهٔ اشکانیان است، در این اثر با رویکردی متفاوت از کتاب حاضر بر نقش خیزش اشکانیان در فروپاشی دولت سلوکیان تأکید دارد. در ۲۰۰۲ میشل راسل ترجمهٔ انگلیسی کتابی با عنوان تمدن هلنیستی اثر فرانسوا شامو را منتشر کرد که اثری جامع دربارهٔ همهٔ جنبه‌های این تمدن، اعم از پادشاهی، شهرنشینی، ادبیات، فلسفه، علم و هنر می‌باشد.^۲ در همین سال، انتشار جلد نخست مجموعهٔ ۴ جلدی سکه‌های سلوکی اثر آرتور هوتون مجموعه‌دار و همکارانش آغاز شد که مسألهٔ مهم سکه‌شناسی دورهٔ سلوکی را به‌نحوی بدیلی پوشش می‌دهد.^۳ کتاب *اقتصاد شاهی سلوکی* اثر جی اپرگیس که در سال ۲۰۰۴ منتشر شد نیز شهرت بسیاری کسب کرده است.^۴ او به جنبه‌های مهمی از میراث هخامنشیان در امور مالی دورهٔ سلوکی اشاره می‌کند. در سال ۲۰۰۶ کتاب مهمی

1. Józef Wolski 1999. *The Seleucids, The Decline and fall of Their Empire*, Kraków.

2. François Chamoux, 2002. *Hellenistic Civilization*, Tr. By Michel Roussel, Wiley-Blackwel.

3. Arthur Houghton and Catharine Lorber, 2002. *Seleucid Coins. A Comprehensive Catalogue. With Metrological Tables* by Brian Kritt. Part I: Seleucus I through Antiochus III. Volume I: Introduction, Maps, and Catalogue, Volume II: Appendices, Indices, and Plates, New York & London.

4. G.G. Aperghis 2004. *The Seleukid Royal Economy: The Financial Administration of the Seleukid Empire*. Cambridge.

درباره دوره گذر از هخامنشی به سلوکی در مجموعه پرسیکا با شماره ۹ در کولژ دو فرانس منتشر شد که مجموعه‌ای است از مقالاتی بسیار مهم زیر نظر رمی بوشارلا، پی‌یر بریان و دیگر همکاران.^۱ اما درخصوص منابع بسیار مهم کتیبه‌ای این دوره، ژرژ روژمون در سال ۲۰۱۲ کتابی با عنوان *کتیبه‌های یونانی در ایران و آسیای میانه* در مجموعه متون ایرانی و به زبان فرانسه منتشر کرد.^۲ این کتاب اثری ارزشمند است که منابع دست اول کتیبه‌ای این دوره را یکجا در اختیار می‌گذارد. مسأله جغرافیای تاریخی این دوره نیز در سال ۲۰۱۳ با انتشار کتاب *سکونتگاه‌های یونانی‌مآب در شرق، از ارمنستان و میان‌رودان تا بلخ و هند*، مدنظرگتسل کوهن قرار گرفته است.^۳ نویسنده در کتاب یادشده، شهرها را با ذکر منابع مکان‌یابی می‌کند و در آخر هر بحث فهرستی از ارجاعات راجع به هر یک ارائه می‌دهد. در سال ۲۰۱۴ رالف استروتن رساله خود را با عنوان *دربارها و نخبگان در امپراتوری‌های یونانی‌مآب* منتشر کرد.^۴ استروتن که نویسنده مدخل «امپراتوری سلوکی» در *دانشنامه ایرانیکا* هم هست،^۵ در مقاله‌ای مهم به نقد و بررسی دو دیدگاه اصلی یونانی‌محور و پساستعماری درخصوص این امپراتوری می‌پردازد.^۶ ازجمله جدیدترین کتاب‌های شاخص در حوزه سلوکی اثری است به نام *سلوکیان و ایران* نوشته سونیا پلیشکه که در سال ۲۰۱۴ در مجموعه *Classica et orientalia* منتشر شده است.^۷ نویسنده در این کتاب بر بخش ایرانی قلمرو سلوکی، یا به اصطلاح یونانیان، ساتراپی‌های علیا، تمرکز دارد و با تکیه بر منابع شرقی و خصوصاً بابلی، روابط و تأثیرات متقابل سلوکیان و حکومت‌ها و خاندان‌های شرقی را بررسی می‌کند. این نویسنده

1. Rémy Boucharlat, Pierre Briant, et al. 2006. *La transition entre l'empire achéménide et les royaumes hellénistiques*, (Persika, 9) Paris.

2. G. Rougemont 2012. *Inscriptions grecques d'Iran et d'Asie centrale*, (Corpus Inscriptionum Iranicarum: Part II. Inscriptions of the Seleucid and Parthian periods and of Eastern Iran and Central Asia. vol. I. Inscriptions in Non-Iranian languages), London.

3. Getzel M. Cohen 2013. *The Hellenistic Settlements in the East from Armenia and Mesopotamia to Bactria and India*, Hellenistic Culture and Society 54, University of California Press.

4. Rolf Strootman 2014. *Courts and Elites in the Hellenistic Empires: The Near East after the Achaemenids, 330-30*, Studies in Ancient Persia 1, Edinburgh University Press.

5. Idem, 2015. "Seleucid Empire," *Encyclopaedia Iranica*, Online edition: <http://www.iranicaonline.org>

۶. رالف استروتن ۱۳۹۰. «شاهنشاهی سلوکی میان شرق گرایی و یونانی گرایی؛ نگارش تاریخ ایران در سده‌های سوم و دوم پ.م.»، *نامه ایران باستان*، سال یازدهم (پیاپی ۲۲)، صص ۳۵-۱۷.

7. Sonja Plischke 2014. *Die Seleukiden und Iran*, (Classica et Orientalia 9) Harrassowitz, Wiesbaden.

مقاله ارزشمندی نیز دربارهٔ پارسی‌مآبی نخستین پادشاهان سلوکی نوشته است.^۱ در سال ۲۰۱۶ مجموعه مقالات ذیل عنوان *زنان شاه‌ی سلوکی* منتشر شد که نکات مهمی را دربارهٔ جایگاه زنان مهم در امپراتوری سلوکی در بر دارد.^۲ در سال ۲۰۱۷ کتاب جدیدی دربارهٔ سلوکیان منتشر گردید که در واقع مجموعه‌ای از مقالات پیشین دیوید انگلس در حوزهٔ تاریخ سلوکی است.^۳ پل کازمین که پیش‌تر کتاب محققانه‌ای دربارهٔ ایدئولوژی سیاسی و شیوهٔ مدیریت اداری دولت سلوکی نوشته بود،^۴ به تازگی موضوع جالب *مفهوم سلوکی زمان و مخالفان آن* را منتشر کرده است.^۵ این کتاب بر مسائل تاریخ‌نگری و گاهشماری جدید سلوکی در محیط چند فرهنگی این امپراتوری تمرکز دارد. و در پایان، مجموعه مقالاتی که در بزرگداشت گتسل ام. کوهن با عنوان *مطالعاتی در تاریخ، باستان‌شناسی و سکه‌شناسی سلوکی* منتشر شده است.^۶ امید است که آثاری از این میان در آینده به فارسی برگردانده شود و در اختیار عموم خوانندگان فارسی زبان قرار بگیرد.

دربارهٔ ترجمهٔ حاضر لازم به ذکر است که متن انگلیسی نثری ادبی و فنی و گاه نسبتاً پیچیده و مبهم دارد، اما تلاش گردیده که متن فارسی ضمن وفاداری به متن اصلی، تا جایی که ممکن است کلامی ساده‌تر داشته باشد. در هر حال، ترجمهٔ حاضر از اسلوب ترجمه‌های آزاد پیروی نمی‌کند. در متن انگلیسی برخی اغلاط نگارشی به‌ویژه در خصوص نام‌های خاص و جای نام‌های شرقی وجود دارد که در ترجمهٔ فارسی اصلاح گردید. گاهشماری پادشاهان اشکانی در پایان کتاب نیز طبق گاهشماری جدیدتر اصلاح شد. در مورد چند ارجاع کتاب که در آن زمان زیر چاپ نوشته شده بود نیز سال نشر آنها جایگزین گردید. همچنین در خصوص برخی اعلام و اصطلاحات تخصصی که نیاز به مختصری توضیح داشت، بخشی به نام «یادداشت‌ها» در پایان کتاب اختصاص داده شد.

یکی از مشکلات ترجمهٔ چنین متنی وجود نام‌هایی است که از آنها خوانش‌های مختلفی وجود دارد؛ چنان که مثلاً نامی یونانی را هم می‌توان به شکل اصلی آن و هم به تلفظ معمول

1. Sonja Plischke, 2017. 'Persianism under the early Seleukid Kings? The royal title "Great King"', in: R. Strootman and M. J. Versluys eds., *Persianism in Antiquity*. Orients et Occidens 25 Frankfurt: Franz Steiner Verlag, pp. 163–200.

2. Altay Coşkun and Alex McAuley (ed.), 2016. *Seleukid Royal Women: Creation, Representation and Distortion of Hellenistic Queenship in the Seleukid Empire*. Historia Einzelschriften, 240. Stuttgart: Franz Steiner Verlag.

3. David Engels 2017. *Benefactors, Kings, Rulers: Studies on the Seleukid Empire between East and West*. Studia Hellenistica, 57. Leuven; Paris; Bristol, CT: Peeters.

4. Paul J. Kosmin 2014. *The Land of the Elephant Kings: Space, Territory, and Ideology in the Seleucid Empire*. London: Harvard University Press.

5. Idem, 2018. *Time and its Adversaries in the Seleucid Empire*. London: Belknap Press.

6. Roland Oetjen, (ed.) 2019. *Studies in Seleucid History, Archaeology and Numismatics in Honor of Getzel M. Cohen*, (Beiträge zur Altertumskunde) Berlin, De Gruyter.

انگلیسی یا فرانسه و هم به اشکال سنتی فارسی-عربی که گاه به ما رسیده است، آورد. نمونه بارز این مسأله شهری است که نام یونانی آن لائودیکیه (در کنار رود اورونتس یا نهرالعاصی) و تلفظ غربی آن لائودیسیا و نام امروزی آن لاذقیه می باشد. مشکل یاد شده در باب نام های خاص ایرانی در عصر یونانی مآبی هم وجود دارد. برای نمونه باکتریا، هیرکانیا و اکباتانا یادآور بلخ، گرگان و همدان در عصر یونانی مآبی و گزارش های تاریخی یونانیان است. از نظر تاریخی شاید بهتر آن باشد که برای قرار گرفتن در فضای تاریخی این زمان، از نام های متداول آن دوره و با اشکال دقیق استفاده شود، ولی این نام ها علاوه بر شکل نامأنوسی که دارند، از روانی متن می کاهند. در ضمن هرزبانی وازگان بیگانه را با دستگاه آوایی خود منطبق می کند، چنان که امروزه بسیاری از نام های باستانی ایرانی هم به شکل امروزی آن به کار می روند. بنابراین، تصمیم بر آن شد که نام های یونانی و آگدی و غیره در ترجمه حاضر فقط در مواردی که اشکال جا افتاده و متداولی در فارسی ندارند، با اشکال اصلی تر نقل شوند و این امر مخصوصاً در ترجمه منابع دست اول بیش تر مدنظر بوده است. درخصوص برخی نام های مهم مانند اشکانیان که در متن اصل به روش مرسوم در غرب پارتیان آمده است، شکل مرسوم در فارسی یعنی اشکانیان جایگزین گردید، مگر در مواردی که نقل قول از منبعی یونانی است یا اشاره به قوم پارتی دارد.

در خصوص برخی از مفاهیم نظری مانند امپریالیسم (Imperialism) و استعمار (Colonialism) که در این کتاب مطرح شده است، حتماً خوانندگان محترم آگاهی دارند که میان شکل معاصرو انواع مشابه باستانی آنها تفاوتی اساسی وجود دارد. این بدان معنی است که طرح این مسائل برای نزدیک شدن با نوع مشابه این مفاهیم در دوره مورد نظر بوده است و مترجمان برای حفظ امانت از کلام نویسندگان کتاب پیروی کرده اند.

موجب بسی خرسندی است که در جریان ترجمه از راهنمایی های استاد سید صمد سجادی بهره مند بوده ایم. همچنین دوستان گرامی، علی نکیسا با رفع برخی ابهامات ترجمه، پارسا دانشمند، فرشید نادری، احسان افکنده و یاسر ملک زاده با اصلاح برخی موارد تاریخی، لیلا کشانی با ویرایش متن فارسی و سپیده شیردل با آماده سازی نقشه ها به مترجمان یاری رسانده اند. دوست ارجمند، شروین فریدنژاد ویراستار مجموعه ارزشمند «نسک های ایران شناسی» نیز با روی گشاده از چاپ این کتاب استقبال کرد. بدین وسیله از همه این عزیزان صمیمانه سپاس گزاری می کنیم. امید که این اثر مورد توجه و استقبال علاقه مندان و محققان تاریخ ایران قرار بگیرد و بهانه ای برای مطالعات بیش تر در این زمینه به زبان فارسی گردد.

پیش‌گفتار

سوزان شروین - وایت نگارش پیش‌نویس‌های اصلی چارچوب این کتاب (فصل‌های ۷ - ۱) را از سال ۱۹۸۴ آغاز کرد. در آغاز قرار بود این فصل‌ها بخشی از یک تألیف کلی دربارهٔ جهان یونانی‌مآب باشند. اما در سال ۱۹۸۸ به این نظر رسیدیم که بهتر است مباحث کتاب یونانی‌مآبی در شرق را دنبال کرده و این مطالب را در یک پژوهش متمرکز^۱ دربارهٔ امپراتوری سلوکی، که نیاز شایانی بدان هست، به‌کار گیریم. تخصص اصلی سوزان شروین - وایت، دورهٔ یونانی‌مآبی است، درحالی‌که تخصص آملی کورت دوران اولیهٔ شرق نزدیک باستان، به‌ویژه میان‌رودان و هخامنشیان می‌باشد. به گمان ما ترکیب این تخصص‌های متفاوت اما مکمل، برای بازکاوی مشخصه‌های دولت سلوکی ضروری است. بنابراین ما با همکاری هم کتاب را بازنویسی و به‌روز رسانی کرده‌ایم و هردو مسئولیت اشتباهات کتاب را برعهده می‌گیریم.

تمامی تاریخ‌ها پیش از میلاد مسیح هستند، در غیر این صورت بدان اشاره شده است. از پی‌یر بریان^۲ و شارلوت روشه^۳ برای خواندن و اظهار نظر بر روی نسخهٔ اولیهٔ کتاب سپاس‌گزاری می‌کنیم. همچنین سوزان شروین - وایت از آکادمی بریتانیا به‌خاطر در اختیار گذاشتن کمک هزینهٔ مطالعاتی برای تحقیق در کتیبه‌های یونانی شوش در موزهٔ لوور پاریس تشکر می‌کند. افزون بر این، قدردانی خود را نسبت به دپارتمان جغرافیای دانشگاه یوسی ال^۴ برای رسم نقشه‌ها اعلام می‌داریم.

سوزان شروین - وایت و آملی کورت

1. état de question

3. Charlotte Roueché

2. Pierre Briant

4. UCL

مقدمه

عنوان این کتاب گویای این دیدگاه است که امپراتوری سلوکی را باید یک دولت شرقی به مرکزیت خاورمیانه، به ویژه در هلال حاصلخیز^۱ (یعنی میان رودان، شمال سوریه و غرب ایران) دانست. این مناطق از لحاظ اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تشکیل دهنده هسته مرکزی قلمرو گسترده پادشاهان سلوکی بوده‌اند (نک: فصل ۱ و نیز کتاب یونانی‌مآبی در شرق). بر این اساس، آسیای صغیر در غرب و آسیای مرکزی در شرق همچون دوره هخامنشی سرحدات این پادشاهی را تشکیل می‌دادند؛ با این تفاوت که سلوکیان برخلاف اسلاف پارسیشان هرگز بر مصر چیره نگشتند و طبق یک عهدنامه از بخشی از نواحی شرقی به نفع دولت قدرتمند موریای^۲ در هند صرف نظر نمودند (نک: فصل‌های ۱ و ۴).

معمولاً تشکیل دولت یونانی‌مآب سلوکی به مثابه جریانی کاملاً جدید در تاریخ خاورمیانه در نظر گرفته می‌شود. این برداشت مبتنی بر نظری قدیمی و متعصبانه است که در آن یونانیان از جنبه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از اقوام گوناگون تحت سلطه خود، پیشرفته‌تر دانسته می‌شوند. اما لزوم تغییر جدی این دیدگاه هنگامی مشخص می‌شود که درمی‌یابیم اسکندر سرزمین‌هایی را تصرف کرد که تاریخ قابل بازسازی آنها به سه هزار سال پیش از میلاد برمی‌گردد و در طول این مدت تحولات سیاسی و اجتماعی فراوانی را تجربه کرده و به پیشرفت‌های چشمگیری دست یافته بودند. یکی از تحولات اصلی و تأثیرگذار بر کل منطقه، پیدایش شاهنشاهی هخامنشی میان سال‌های ۵۵۰ تا ۵۰۰ است که در آن بسیاری از پادشاهی‌ها و اقوام گوناگون برای نخستین بار تحت لوای یک حکومت واحد قرار گرفتند. در عین حال باید خاطرنشان شد که هخامنشیان در برخی جنبه‌های اداری و حکمرانی (مالیات‌ها، جاده‌ها، کلنی‌ها، فنون نظامی و سازماندهی، عناصری از ایده پادشاهی، بسنجید با: Kuhrt 1987 b).

AchHist VIII) وارث آشور و بابل بودند. همچنین در نتیجه تحقیقات اخیر می‌دانیم که آنچه اسکندر تصرف کرد، یک امپراتوری بسیار پیشرفته، موفق و پیچیده بوده است که او و جانشینان سلوکی‌اش پس از تصاحب آن، خود را با آن تطبیق دادند (Briant, 1987 b; 1990). اکنون کاملاً مشخص شده است که شاهنشاهی هخامنشی در سده چهارم به‌رغم پاره‌ای مشکلات هرگز دچار زوال سیاسی و اقتصادی نشده بود. بنابراین، دیدگاه سابق که هنوز در برخی نگرش‌ها نسبت به تحولات دوره یونانی‌مآبی وجود دارد، اکنون دیگر قابل دفاع نیست. این دیدگاه چنین القا می‌کرد که اسکندر و یونانیان این دولت مستبد ورشکسته و رو به احتضار «شرقی»^۱ را با معرفی اشکال جدید اقتصادی و زندگی اجتماعی چون شهرها، بازارها، برده‌داری و ضرب سکه جانی تازه بخشیدند. اما همه این نوآوری‌های به‌ظاهر یونانی در قلمرو شاهنشاهی هخامنشی وجود داشته و در برخی موارد، جزئی از زندگی در خاورمیانه هزاره یکم بوده‌اند. این بدان معناست که تحلیل‌های مربوط به تحولات دوره یونانی‌مآبی به تمرکز دوباره و طرح پرسش‌های تازه و متفاوت مبتنی بر مدارک نیاز دارد، تا مشخص شود تحولات کجا و چگونه رخ داده‌اند (به‌طور کلی نک: RTP 291 - 330).

برای دستیابی به چنین دریافتی، یک الگوی بسیار خوب وجود دارد: اثر گروه تاریخ هخامنشی (زیر نظر هلن سانسسی-وردنبورخ^۲ و آملی کورت)، که برای رسیدن به درک روشن‌تری از برهم‌کنش فرهنگ‌های گوناگون در شاهنشاهی بزرگ هخامنشی، زمینه همکاری محققان در تخصص‌های متفاوت را فراهم کرده است. کار بر روی تاریخ شرق یونانی‌مآب نیز بدون بهره‌گیری از دستاوردهای مطالعات انجام شده از سوی متخصصان مختلف فرهنگ‌ها و جوامع این منطقه: آشورشناسان، ایران‌شناسان، پژوهشگران کتاب مقدس، باستان‌شناسان، زبان‌شناسان زبان‌های سامی و مصرشناسان، قابل قبول نخواهد بود. مورخان مصر بطلمیوسی بسیار بیش‌تر از کسانی که بر روی تاریخ سلوکیان کار می‌کنند آگاهند که برای محقق که سعی در فهمیدن تأثیر سلطه مقدونیان داشته باشد، تا چه اندازه همکاری با مصرشناسان ضروری است (برای نمونه نک: Thompson, 1988). یکی از تلاش‌های صورت گرفته برای از بین بردن این شکاف، کتاب *یونانی‌مآبی در شرق* است. ولی چنین کار میان‌رشته‌ای در زمینه مطالعات سلوکی یک استثنا بوده است.

چرا چنین همکاری‌هایی در طرح مباحث کلی درباره امپراتوری سلوکی به‌دشواری صورت

می‌پذیرد؟ بخشی از این مسأله ناشی از وسعت زیاد و به تبع آن پیچیدگی قلمرو سلوکیان می‌باشد که طیفی وسیع از نهادهای اجتماعی-سیاسی، فرهنگی و زبان‌شناختی را دربرمی‌گیرد. در نتیجه، محققان در گروه‌های مجزای تحقیقاتی در مناطق و زمینه‌های خاص متمرکز شده‌اند و این امر ایجاد تصویری جامع را بسیار مشکل می‌سازد. سبب دیگر آن است که تا چندی پیش، بسیاری از آثار تألیف شده دربارهٔ امپراتوری سلوکی برپایه گزارش‌های مورخان یونانی و رومی انجام می‌گرفت که تمایل اصلی آنها طبعاً محدود به سرحدات غربی امپراتوری سلوکی (آسیای صغیر و سوریه) بوده است؛ یعنی مناطقی که بعدها جزئی از ایالت‌های رومی شدند. این مسأله دربارهٔ نگاشته‌های تاریخ‌پژوهان بزرگ این زمینه در اوایل قرن بیستم یعنی تارن، روستوفتسف و بیکرمن صدق نمی‌کند. اما از زمان آنها تاکنون کشفیات بسیاری به عمل آمده و نیازمند بازنگری است. تمرکز بیش از اندازه بر سرحدات غربی سلوکیان منجر به غفلت و بی‌توجهی نسبت به نیمه شرقی آن گردیده است و به این دلایل، ما در بیش‌تر فصل‌های این کتاب به بحث دربارهٔ سرحدات شرقی این امپراتوری و پیرامون آن پرداخته‌ایم، تا تأکیدی بر اهمیت آنها باشد و تعادل برقرار گردد. این نکته همچنین نشان می‌دهد که چرا ما به جای پرداختن به روابط آشنای سلوکیان با دولت‌های یونانی‌مآب در غرب امپراتوری مانند پرگامون،^۱ مقدونیه و مصر، ارزیابی مناسبات با دولت موریاد هند را به عنوان یکی از همسایگان مهم سلوکیان که برای بیش از صدسال روابط فعالی با آنها داشتند، مدنظر داشته‌ایم.

یکی از مشکلاتی که دامنگیر پژوهشگران تاریخ سلوکی می‌شود، کمبود منابع تاریخی پیوسته برای ارائه چارچوب تاریخی است. دیودور در کتاب‌های ۱۸ و ۱۹ اثر خود اطلاعات دقیق و بی‌نظیری دربارهٔ کشاکش میان جانشینان اسکندر بر سر پادشاهی به دست می‌دهد. اما محدودیتی که دارد این است که حتی در این جا نیز بر جنگ‌های میان او منس^۲ و آنتیگونوس^۳ تمرکز دارد و اطلاعاتی دربارهٔ نواحی شرقی در اختیار نمی‌گذارد. ضمناً از وقایع مربوط به سال ۳۰۱ به بعد، از اثر دیودور تنها چند قطعه بیش نمانده است. مورخ مشهور، پولیبیوس، نیز در پی آن بود که کشاکش میان یونانیان و رومیان و قدرت غیرمنتظره روم به منزله یک امپراتوری را بیان کند. بنابراین توجه او به سلوکیان و تاریخ شرق نیز تابع این نگاه است. به علاوه از اثر او (کتاب ۵ به بعد) تنها چند قطعه باقی مانده است؛ هرچند که با وجود این، بسیار ارزشمند است. از کارهای دیگر مورخان

1. Pergamun
3. Antigonos

2. Eumenes

بعدی، خلاصه تاریخ یوستین^۱ اثر پومپئوس تروگوس^۲ و جنگ‌های سوری تألیف آپیان^۳ نیز منابع مطالعاتی ارزشمندی هستند. اما اطلاعات آنها به شدت گزینش شده و اغلب به دشواری قابل ارزیابی است. از میان تاریخ‌نگاران محلی چون بروسوس^۴، مگاستنس^۵، ممّن^۶، یوسفوس^۷ و نویسندگان کتاب‌های یکم و دوم مکابیان، نیز تنها آثار این نویسندگان یهودی است که به طور کامل باقی مانده است. هرچند که این منبع آگاهی‌های بسیار سومندی از حکومت سلوکیان در اختیار می‌گذارد، نگاه آن تنها محدود به ناحیه کوچک یهودیه است که تا اواخر سده سوم جزء امپراتوری سکیان نبوده است.

تصویر به نسبت منفی بالا نسبت به منابعی که در اختیار داریم، به واسطه اسناد غنی جدید جبران می‌شود؛ برای نمونه، یادداشت‌های نجومی^۸ ارزشمند بابلی تازه منتشر شده (Sachs/Hunger 1988 - 1989) و کتیبه‌های یونانی مهم نویافته از سارد، هراکلیه لاتموس^۹، آموزون^{۱۰} و موسیا^{۱۱} متعلق به دوره آنتیوخوس سوم، قابل ذکر هستند (نک فصل ۷). در کنار این منابع تازه، شمار زیادی لوح و مهرهای هلنیستی شناخته شده نیز وجود دارند که مطالبی چون گاهشماری، فهرست پادشاهان، نوشته‌های نجومی، ادبی، ریاضی و دیگر علوم، آداب و مناسک، سروده‌ها، پیشگویی‌ها، اسناد حقوقی و متون عمومی را شامل می‌شوند (برای مروری بر آنها نک: Oelsner 1986). همچنین مجموعه‌ای از کتیبه‌های یونانی دوره یونانی مآبی نیز وجود دارد (RC) که بسیاری از آنها از منابع حکومت سلوکیان به شمار می‌روند و در این کتاب تا اندازه زیادی از آنها بهره گرفته شده است. این منابع اغلب آسیب دیده‌اند و بستر باستان‌شناختی مشخصی ندارند. این امر استفاده از آنها را بسیار دشوار می‌کند، ولی در هر حال می‌توانند در رسیدن به نتایج مهم موثر باشند.

با وجود کاوش‌های مهم آی خانوم^{۱۲}، سارد، محوطه‌های کوچک‌تری چون فیلکه^{۱۳} در خلیج فارس و محوطه‌های دیگری در آسیای مرکزی (نک فصل‌های ۴ و ۶)، دوره یونانی مآبی هنوز مرکز توجه باستان‌شناسی قرار نگرفته است (برای این مسأله نک: Alcock, 1994: 171-190).

1. Justin
3. Appian
5. Megasthenes
7. Josephus
9. Heraclea-Latmus
11. Mysia
13. Failaka

2. Pompeius Trogus
4. Berossus
6. Memnon
8. Astronomical diaries
10. Amyzon
12. Ai Khanoum

در نتیجه ناچاریم از یافته‌های پراکنده‌ای استفاده کنیم که در جریان کاوش‌ها به صورت اتفاقی به دست آمده‌اند و یا در میان اشیاء عتیقه پیدا می‌شوند. در هر حال، داده‌های باستان‌شناختی اهمیت بسیاری دارند؛ چه از محوطه‌ها کشف شده باشند و چه به صورت بقایای پراکنده شامل سفال، گِل مُهر^۱، قطعاتی از پیکره‌ها، سکه‌ها، مُهرها، تندیس‌های سفالین^۲ و اُستراکا^۳ باشند. به طور کلی، استقرارهای باستانی و بررسی‌های تحلیلی آنها به طور بالقوه می‌توانند به درک بهترین دوره کمک کنند. برای نمونه افزایش بهره‌وری از زمین و تغییرات جمعیتی می‌تواند در ایجاد تصویری «از پایین» به امپراتوری سلوکیان مؤثر باشد (Alcock). در حال حاضر، تنها مطالعه دقیق صورت گرفته در این زمینه، کارهای آدمز (Adams 1965-1981; Nissen 1972) است که به میان‌رودان محدود می‌شود (درباره برخی شواهد خلیج فارس نک: Salles 1987).

یکی از نقاط ضعف کتاب‌های تاریخ امپراتوری سلوکی که شاید بخشی از آن حاصل فقدان روایات تاریخی پیوسته باشد، تمایل به نادیده گرفتن مقاطعی طولانی بوده است که رویدادهای مهم را از هم جدا می‌کند. در نتیجه، تنها به دویست سال از تاریخ سلوکی توجه می‌شود و رویدادهای ناشناخته و مبهم میان آن کنار گذاشته می‌شود. در حال حاضر راهی برای پر کردن این شکاف‌های تاریخی طولانی مدت وجود ندارد (به یادداشت‌های نجومی فصل پنجم مراجعه شود)، ولی این برهه‌ها به ویژه با توجه به گسترش کند اشکانیان که بیش از ۶۰ سال زمان برد (از دهه ۲۳۰ تا دهه ۱۷۰؛ نک: فصل‌های ۳ و ۸) می‌توانند بازسازی شوند.

ما تماماً فصلی درباره «شهرهای یونانی» در این اثر در نظر نگرفته‌ایم. نخست به این دلیل که زندگی شهری در خاورمیانه مفهوم تازه‌ای نبود، بلکه در بسیاری از مناطق (برای نمونه آسیای مرکزی، ایران، میان‌رودان و حاشیه شرق مدیترانه^۴) به شکلی باستانی وجود داشت و حیات سیاسی در آن تعریف شده بود. دوم آن که، تصور ما این است که مدل زندگی شهری یونان باستان پس از اسکندر به شیوه‌های گوناگون، به همان سیاق پیشین، در پادشاهی‌های یونانی‌مآب استمرار یافت. بر این اساس، شهرهای کوچک برای حفظ داشته‌های خود با قدرت‌های بزرگ‌تر در کشمکش بودند و از طرق نظامی و اقتصادی برای بقای ایدئولوژی مدنی و هویتشان می‌کوشیدند. سوم آن که، به نظر می‌رسد شایسته‌تر است به جای ارائه تعریفی مجمل از مقوله «شهر یونانی»، تلاش کنیم با ارزیابی مدارک موجود درباره هریک از این مراکز، به تحلیل

1 Bullae

2. Terracotta

3. Ostraka

4. Levant

تأثیر امپراتوری سلوکی بر شهرهای قدیمی‌تر (چه یونانی و چه غیر یونانی) و نیز شهرهای نوپیدا، بپردازیم (نک: فصل ۶). پدیده‌های تازه‌ای چون *اورگتیسیم*^۱ شهری و شاهی، از موارد مرتبطی هستند که در این کتاب آنها را بررسی کرده‌ایم.

یکی از اهداف این کتاب متمایز کردن شاخصه‌های عمومی امپراتوری‌ها از ویژگی‌های مقدونی/یونانی حکومت سلوکیان است. غفلت از این مسأله، در گذشته منجر به برخی اشتباهات در بازشناسی و درک ماهیت حکومت سلوکیان شده است. در راستای شناخت امپراتوری سلوکی، برای ما بسیار مهم بوده است که بپرسیم که چرا این حکومت این‌همه دوام آورد؟ این پرسش مهمی است که به نظر می‌رسد چندان توجهی بدان نشده است. بنابراین ما تحلیل‌های خود را بر سده سوم و اوایل سده دوم معطوف می‌کنیم و این دوره را به عنوان یک دوره صدساله در نظر می‌گیریم که طی آن پادشاهان سلوکی در حفظ اقتدار و اعمال حاکمیت بر قلمرو پهناور خود بسیار موفق بوده‌اند. با در نظر گرفتن مشخصه‌های منابع، برخی از موارد که به نظر ما حائز اهمیت است، ممکن است نظریات مخالفی را برانگیزاند و امیدواریم که زمینه مباحث جدیدی را فراهم آورد. از ویژگی‌های طبیعی پژوهش این است که هیچگاه پاسخ‌های «صحیح» نهایی وجود نخواهد داشت؛ همانگونه که ویلیام تارن، تاریخ‌پژوه دوره یونانی‌مآبی که اثر راهگشایی با عنوان *یونانیان در هند و بلخ* را به پایان رسانده بود، خطاب به دخترش می‌گوید:

تو یک پژوهشگر هستی و برای پژوهشگران از دست من کاری ساخته نیست. تو نیازی به ایده‌آل نداری، زیرا خودت از آن برخورداری. تو نیازی به رؤیاپردازی نداری، زیرا زندگی‌ات خودش یک رؤیاست. زمین گنجینه‌های نهفته خود را برای تو بیرون می‌ریزد و ناممکن روز به روز ممکن می‌شود. آنچه که تو اکنون آرزو می‌کنی کتیبه مفصل روشنی در راستای فرونشاندن نکته‌ای بحث‌برانگیز به سود خودت است و اگر من چنین چیزی را به تو بدهم، در آن صورت فکر کن که به چه میزان درمانده خواهی شد. چیز بیشتری برای گفتن باقی نمی‌ماند و شما محققان سرخوش در حال مباحثه، به چنان تنگنایی می‌افتید که نمی‌دانم که چه جرم‌هایی مرتکب خواهید شد. حتی ممکن است به پول‌سازی روی آورید (W.W. Tarn, *The Treasure of Isle of Mist: a tale of the Isle of Skye*, London (1938).